

# افعال ترکیبی در گروه ویژه های آلمانی

مقاله حاضر مدخل رساله فوق لیسانس آقای حبیب کمالی روستا، دانشجوی رشته آموزش زبان آلمانی، در زمینه افعال ترکیبی است. آقای روستا در این رساله کوشیده است در چهارچوب مقایسه دستوری، ویژگیهای افعال مرکب را از زاویه دید دستور فارسی بررسی، و شیوه آموزش مناسبی برای این گونه افعال پیشنهاد کند.

استاد راهنما و سرپرست: آقای دکتر محمد ظروفی

## مقدمه

عدم دستیابی به شم زبانی از طرف زبان آموز خارجی، ضرورت پیدا میکند. به همین دلیل است که ایرانیان نخستین دستور زبانها را برای زبان عربی، فرانسویان برای زبان انگلیسی و انگلیسیان برای زبان فرانسه تألیف کرده اند، زیرا اهل زبان خود نیازی به یادگیری قواعد زبان خویش ندارد.

انگیزه و هدف این نوشته ایجاد مهارت در کاربرد ترکیبات فعلی زبان آلمانی می باشد. از آنجائیکه اصولاً ساختن جمله

عامل اساسی در فراگیری زبان مادری و زبان دوم تمرین است و نه دانستن قواعد دستوری، در واقع کسی این زبانها را فرا میگیرد که بسیار بشنود و بگوید و نیز بخواند و بنویسد، زیرا شم زبانی هم بدینسان بدون آموختن قواعد بدست می آید، و یادگیری قواعد زبان در اینجا تنها به آگاهانه سازی توانش زبانی می انجامد. اما تسلط بر قواعد دستوری در یادگیری زبان خارجی به جهت دوری زبان آموز از محیط زبانی و در نتیجه

درست در زبان آلمانی به جهت ویژگیهای خاص این زبان (حرف تعریف های مختلف، صرف پیچیده صفت، تعدد حالات اسم، بی قاعده بودن جمع و...) برای زبان آموز فاقد شم زبانی مشکل می باشد، با ترکیبات فعلی به مثابه قطعات پیش ساخته زبانی بهتر و راحت تر میتوان جمله های درست ساخت.

گروهواژه های ثابت (stehende Wortgruppen oder Redewendungen) به مثابه اجزای پیش ساخته زبانی (sprachliche vorgefertigte Bauteile) در زبان آلمانی به مانند زبان فارسی از عبارات دو کلمه ای تا جملات کامل به وفور یافت می شود. این گروهواژه ها حداقل از همایندی دو واژه شکل می گیرند، اما به همایندی یک واژه (فعل، اسم، قید، حرف اضافه) با حروف تعریف، ضمائر و ادات (Partikel) گروه واژه اطلاق نمیگردد.

گروهواژه های ثابت را میتوان از جنبه های مختلف طبقه بندی نمود. در ذیل نظر اجمالی به مهمترین گروهواژه ها از دیدگاه نحوی - معنایی - (syntaktisch semantisch) آنها خواهیم داشت:

### ۱- نقل قول (Zitat)

بعنوان اولین گروه از گروهواژه های ثابت به نقل قول ها اشاره میکنیم که گزیده کلام ادیبان و اندیشمندان می باشد. ما گفتار و نوشتار خود را برای روشنی و یا تأیید مطلب با آنها زینت می بخشیم، البته بعضاً ممکن است غرض از بیان آنها صرفاً خودنمایی و فضل فروشی باشد.

در ذیل به عنوان نمونه سخنی را از گوته شاعر آلمانی نقل می کنیم که رد نواندیشی و مدح بازاندیشی است:

Alles Gescheidte ist schon gedacht worden,  
man muß nur versuchen, es noch einmal zu denken", Goethe

«هرچه را شایان اندیشیدن است/پیش از این آورده اند/کار ما این است تا بار دگر/حرف اندیشیده را/بازاندیشی کنیم.» گوته

### ۲- نقل قول رایج (geflügeltes Wort)

اگر نقل قولی آنقدر دهان به دهان بچرخد بطوریکه شکل اولیه خود را از دست داده و نیز اصل و سرمنشاء آن مخدوش شود آنگاه بدان نقل قول رایج اطلاق می گردد:

### ۳- امثال (Sprichwörter)

گروه سوم از گروهواژه های ثابت را ضرب المثلها تشکیل می دهند. امثال در برگیرنده دانش و معرفت قدیم بوده و آفریننده آنها نامشخص می باشد. در ضرب المثلها تجارب زندگی به زبان تمثیل به ایجاز به تصویر کشیده میشود و بدینسان روشنی مطلب، پند و اندرز را برای خواننده و یا شنونده به مانند نمونه های ذیل به همراه دارد:

Der Apfel fällt nicht weit vom Stamm.

از کوزه برون همان تراود که در اوست.

Ein Schwalbe macht keinen Sommer.

از یک گل بهار نمیشود.

Wo ein Wille ist, ist auch ein Weg.

خواستن توانستن است.

Reden ist Silber, Schweigen ist Gold.

سخن گر زرست، سکوت گوه رست.

Übung macht den Meister.

کار نیکو کردن از پر کردن است.

کوتاهی، روانی لفظ، روشنی مطلب و خوبی تشبیه را از جمله ویژگیهای امثال دانسته اند.

### ۴- حکم (sprichwörtliche Redensarten)

حکمت ها به مانند مثلها در برگیرنده دانش و فرهنگ توده بوده و به مانند آنها نیز از جملات مستقل تشکیل می گردند، در تفاوت مثل از حکمت میتوان گفت که مثل بیشتر تشبیه امری انتزاعی به امری ملموس در قالب عبارتی کوتاه و فصیح برای روشنی آن می باشد، حال آنکه حکمت بیشتر در برگیرنده دستاوردهای عقلی و قواعد اجتماعی می باشد:

Wer sucht, der findet.

جوینده یا بنده است .

Einer Für alle, alle für einen.

یکی برای همه ، همه برای یکی .

Die Welt ist ein Dorf.

کوه به کوه نمیرسد آدم به آدم میرسد .

Ausnahmen bestätigen die Regel.

استثناء قاعده را تأیید میکند .

Wie du mir, so ich dir.

چیزی که عوض دارد گله ندارد .

همه هم و غم من این است که ...

Am Rande bemerkt,... (Floskel)

در ضمن بد نیست بدانید که ...

keine Ursache! (Floskel)

خواهش میکنم .

## ۶- اصطلاحات (idiomatische Wendungen)

اصطلاحات در زبان آلمانی با عنوانهای دیگر همچون 'phraseologische Verbindungen, Redensarten' 'redensartliche, sprichwörtliche Redensarten' و 'Idiomatik' نیز بیان شده اند و منظور از اصطلاحات در اینجا واژگان علمی و تخصصی یا دانشواژه های خاص (Terminologie) نیست . بلکه معنای دیگر آن در نظر است که در ذیل بدان می پردازیم .

اصطلاحات معمولاً جمله ای مستقل را تشکیل نمیدهند و باید آنها را با تغییر در جمله بکار برد . اصطلاحات در مجموع به معنایی غیر از مجموع معنای اصلی اجزای خود دلالت می کنند، بدینسان ما آنها را بعنوان یک واحد مرکب می شناسیم و احتمالاً ممکن است معنای جداگانه اجزای تشکیل دهنده آنها برای ما معلوم نباشد .

بعنوان مثال اصطلاح 'mit Kind und Kegel' برای همگی ما آشناست که منظور از آن کل خانواده به همراه لوازم و اثاثیه منزل می باشد . اما اینکه 'Kegel' در اصل به معنای بچه نامشروع بوده ، اگرچه این مطلب را کمتر کسی می داند اما این بی اطلاعی خللی به اصطلاح وارد نمیسازد زیرا اگر هم ما 'Kegel' را به معنای مهره بازی بولینگ به شکل نمادین برای آخرین قطعه از لوازم و اثاثیه منزل در نظر بگیریم باز هم اگرچه بدین ترتیب مفهوم اصطلاح گسترش می یابد ولی این برداشت به هیچوجه گمراه کننده نخواهد بود .

شایان توجه و تعجب برانگیز این است که چطور مفاهیم عبرت انگیز و تمثیلی اصطلاحات به مانند امثال و حکم محفوظ مانده اند در حالیکه به اصل و سرمنشاء و نیز معنای اولیه آنها غالب توجه ای نمیشود . این امر بدین صورت قابل توجیه است که این مفاهیم با وجود تحول شرایط تاریخی - فرهنگی بواسطه

امثال و حکم نیز بعضاً به مانند نقل قول و زیانزد یک نوع استشهاد می باشند، که گوینده یا نویسنده با تشبث و تمسک به آنها در بیان خود، آنها را مؤید گفته ها و نوشته های خود می داند .

امثال و حکم هر دو جمله ای کامل و مستقل را تشکیل می دهند که کل جمله نیز بر یک معنای واحد دلالت دارد و همگان آن را بدون تغییر و یا با اندک تغییر بکار میبرند .

## ۵- عبارات کلیشه ای و تعارفی (Gemeinplätze und Floskeln)

از این گروهواژه های ثابت نیز به وفور در زبان آلمانی دیده میشود که از عبارات کوتاه تا جملات کامل را در برمیگیرد . این گروهواژه ها غالباً برای بیان تواضع و فروتنی ، سمپاتی و همدردی ، مدح و ستایش و غیره بکار می آیند . عبارات کلیشه ای معمولاً عبارات پیش پا افتاده ای می باشند که بعضاً معنای اصلی خود را از دست داده و تنها به اصطلاح برای تعارف و خالی نبودن عریضه بکار می آیند :

Mir fehlen die Worte,um... (Gemeinplatz / Topos)

زبانم قاصر است از بیان ...

zu meinem größten Bedauern... (Topos)

با کمال تأسف ...

Es ist mir eine besondere Ehre,... (Topos)

باعث افتخار من است که ...

Es liegt mir am Herzen, zu... (Floskel)

2. Kenntnis nehmen  
(اسم در حالت رایبی (Akkusativ) + فعل همکرد)  
آگاهی پیدا کردن، اطلاع یافتن
3. Übereinstimmung bestehen  
(اسم در حالت فاعلی (Nominativ) + فعل همکرد)  
توافق داشتن
4. einer Prüfung unterziehen  
(اسم در حالت یایی (Dativ) + فعل همکرد)  
امتحان گرفتن
5. einer Untersuchung bedürfen  
(اسم در حالت ملکی (Genitiv) + فعل همکرد)  
مستلزم بررسی بودن

بخصوص امروزه ما شاهد رشد فزاینده این ترکیبات در زبان آلمانی هستیم. بنیادگرایان زبان آلمانی (deutsche Sprachpfleger) بعضاً در رابطه با کاربرد این ترکیبات از ویژگی آماس پذیری (Schwellcharakter) زبان آلمانی و گرایش به اسیم پردازی (Hang zur Nominalisierung) در قالب این ترکیبات فعلی - بخصوص در قالب گروه اول - به جای رویکرد به فعل پردازی ساده سخن راننده و حمایت خود را از شیوه بیان با افعال اصلی بجای این ترکیبات بیان داشته اند. اما بررسیهای اساسی در این زمینه نشان داده است که نباید به این قضاوت سطحی و شتابزده در برخورد با این پدیده در زبان آلمانی بسنده نمود. در بخش های بعد به علل شکل گیری و اهمیت این ترکیبات خواهیم پرداخت.

زیرنویس:

1. Schmidt, Richard: Deutsche Redensarten, Klett, Stuttgart.  
2. Schmidt, Wilhelm: Deutsche sprachkunde, Berlin, 1972.

کاربرد مداوم آنها متناسب با موقعیت های مربوطه توانسته اند خود را حفظ نموده و همچون میراثی گرانبها به نسل های بعدی انتقال یابند.

در اصطلاحات میتوان زیر گروه های بسیاری از جمله انواع ذیل را از یکدیگر باز شناخت:

### الف - اصطلاحات توصیفی

blinder Passagier  
مسافر قاچاق

### ب - اصطلاحات جفت و ازگانی

ab und zu  
گاه و بیگاه

### ج - اصطلاحات با تشبیه تمثیلی

schwarz wie die Nacht  
مثل زغال، به سیاهی شب

مثال زغال، به سیاهی شب

### د - اصطلاحات با تعبیر مثالی

den Kopf in den Sand stecken  
سر همچون کبک زیر برف کردن

سر همچون کبک زیر برف کردن

اصطلاحات بر خلاف امثال و حکم جمله ای کامل و مستقل نبوده و ما آنها را با تغییر در جمله بکار می بریم.

### ۷- ترکیبات فعلی (Funktionsverbgefüge)

بعنوان مهمترین طبقه از گروه های ثابت از نظر فراوانی کاربرد میتوان از ترکیبات فعلی نام برد. ترکیبات فعلی از یک فعل نقش نماد (Funktionsverb) و یا به عبارتی از یک فعل همکرد (اصطلاح از پرویز ناتل خانلری) و یک عنصر اسمی (nominales Glied) یا متمم (اصطلاح از محمد رضا باطنی) تشکیل شده اند. ترکیبات فعلی بر خلاف اصطلاحات در معنای اصلی و یا حقیقی خود بکار میروند ولی به مانند آنها نیز جمله ای کامل و مستقل را تشکیل نمیدهند. ترکیبات فعلی در زبان آلمانی به زیر گروه های ذیل طبقه بندی می گردند که در بخش های بعد به تفصیل درباره آنها بحث خواهیم نمود:

#### 1. zur Anwendung kommen

(حرف اضافه + عنصر اسمی + فعل همکرد)

مورد استفاده قرار گرفتن